

## دومین سخنرانی امام حسین علیه السلام در روز عاشورا مقابل سپاه دشمن

وقتی هر دو سپاه آماده شدند و صدای طبل و شیپور طنین افکن شد پس از آن که هر دو سپاه کاملاً آماده گردید و پرچم های لشکر عمر سعد برافراشته شد و سپاه دشمن از هر طرف خیمه های حسین بن علی را احاطه کردند و مانند حلقه انگشتی در میان خود گرفتند، آن حضرت از میان لشکر خویش بیرون آمدند و در برابر صفوف دشمن قرار گرفت و از آنان خواست تا سکوت کنند و به سخنان وی گوش فرا دهند؛ ولی آنها همچنان سر و صدا و هلهله می نمودند که حسین بن علی علیه السلام با این جملات به آرامش و سکوت دعوت نمود:

وای بر شما! چرا گوش فرا نمی دهید تا گفتارم را - که شما را به رشد و سعادت فرا می خوانم - بشنوید که هر کس از من پیروی کند خوشبخت و سعادتمند است و هر کس عصیان و مخالفت ورزد از هلاک شده گان است و همه شما عصیان و سرکشی، و با دستور من مخالفت می کنید که به گفتارم گوش فرا نمی دهید. آری، در اثر هدایای حرامی که به دست شما رسیده و در اثر غذاهای حرام و لقمه های غیر مشروعی که شکم های شما را از آنها انباشته شده، خدا این چنین بر دل های شما مهر زده است. وای بر شما! آیا ساکت نمی شوید؟

ای مردم! ننگ و ذلت و حزن و حسرت بر شما باد که با اشتیاق فراوان ما را به یاری خود خواندید و آن گاه که به فریاد شما جواب مثبت دادیم و به سرعت به سوی شما شتافتیم، شمشیرهایی را که از خود ما بود، علیه ما به کار گرفتید و آتش فتنه ای را که دشمن مشترک بر افروخته بود، علیه ما شعله ور ساختید. به حمایت و پشتیبانی دشمنان تان و علیه پیشوایان تان به پا خاستید، بدون این که این دشمنان، گامی به نفع شما در مسیر عدل و داد بردارند یا امید خیری از آنان داشته باشید مگر طعمه حرامی از دنیا که به شما رسانیده اند و مختصر عیش و زندگی ذلت باری که چشم طمع به آن دوخته اید.

قدری آرام! وای بر شما! که روی از ما برتافتید و از یاری ما سرباز زدید بدون این که خطایی از ما سر زده باشد یا رأی و عقیده نادرستی از ما مشاهده کنید. آن گاه که تیغ ها در غلاف و دل ها آرام و رأی ها استوار بود، مانند ملخ از هر طرف به سوی ما روی آوردید و چون پروانه از هر سو فرو ریختید. روی تان سیاه که شما از سرکشان امت و از ته ماندگان اصحاب فاسد هستید که قرآن را پشت سر انداختید، از دماغ شیطان در افتاده اید و از گروه جنایت کاران و تحریف کننده گان کتاب و خاموش کننده گان سنن می باشید که فرزندان پیامبر را می کشید و نسل اوصیا را از بین می برید. شما از لاحق کنندگان و زنا زادگان به نسب، و اذیت کنندگان مؤمنان و فریاد رس پیشوای استهزا گرانی که به استهزاء قرآن می پردازند.

شما اکنون به "ابن حرب" و پیروانش اتکا و اعتماد نموده و دست از یاری ما بر می دارید. آری، به خدا سوگند! فریب و حيله از صفات بارز شماست که رگ و ریشه شما بر آن استوار، تنه و شاخه شما آن را به ارث برده و دلها ی تان با این عادت نکوهیده رشد نموده و سینه های تان با آن مملو گردیده است. شما به آن میوه نایب مبارکی می مانید که در گلوی باغبان رنج دیده اش گیر کند و در کام سارق سمتگر شیرین و لذت بخش باشد. لعنت خدا بر پیمان شکنان! که پیمان خویش را پس از تأکید و محکم ساختن آن می شکنند و شما خدا را بر پیمان های خود کفیل و ضامن قرار داده بودید و به خدا سوگند! که همان پیمان شکنان هستید. آگاه باشید که این فرو مایه ابن زیاد و فرزند فرو مایه، مرا در بین دو راهی شمشیر و ذلت قرار داده است و هیئات که ما به زیر بار ذلت برویم؛ زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این که ذلت را ما بپذیریم ابا دارند و دامن های پاک مادران ما و مغزهای با غیرت و نفوس با شرافت پدران ما روا نمی دارند که اطاعت افراد لئیم و پست را بر قتلگاه کرام و نیک منشان مقدم بداریم. آگاه باشید که من با این گروه کم و با قلت یاران و پشت کردن کمک دهندگان، برای جهاد آماده ام.

آگاه باشید! به خدا سوگند! پس از این جنگ به شما مهلت داده نمی شود که سوار بر مرکب مراد خویش گردید مگر همان اندازه که سوارکار بر اسب خود سوار است تا این که آسیاب حوادث شما را بچرخاند و مانند مدار سنگ آسیاب مضطرب تان گرداند و این، عهد و پیمانی است که پدرم علی علیه السلام از جدّم رسول خدا صلوات الله بازگو نموده است. پس با همفکران خود دست به هم بدهید و تصمیم باطل خود را، پس از آن که امر بر شما روشن گردید، درباره من اجرا کنید و مهلتم ندهید، من به خدا - که پروردگار من و شماست - توکل می کنم که اختیار هر جنبنده ای در ید قدرت او، و خدای من بر صراط مستقیم است.

سپس آن حضرت دست های خود را به سوی آسمان برداشت و لشکریان عمر سعد را این چنین نفرین نمود:

خدایا! قطرات باران را از آنان قطع کن و سال هایی سخت مانند سال های یوسف بر آنان بفرست و غلام ثقفی را بر آنان مسلط کن تا با کاسه تلخ ذلت، سیرابشان سازد و کسی را در میانشان بدون مجازات نگذارد. در مقابل قتل، به قتلشان برساند و در مقابل ضرب، آنان را بزند و از آنان انتقام من و انتقام خاندان و پیروانم را بگیرد؛ زیرا آنان زیرا اینان ما را تکذیب نمودند و در مقابل دشمن، دست از یاری ما برداشتند و تویی پرودگار ما، به تو توکل می کنیم و برگشت ما به سوی توست

